نذری دادن برای اولیاء و صالحین در نگاه اهل سنت و شیعه



وهابیون نذر برای غیر خدا را حرام دانسته وآن را شبیه نذر برای بت ها می شمارند و می گویند این کار از غلو و بزرگ دانستن کسی که برای او نذر شده است ، سرچشمه می گیرد .

1- قصیمی می گوید :

«إنها من شعائر الشیعة الناشئة عن غلوّهم فی أئمتهم وتألیههم لعلی وولده»(الصراع بین الوثنیة 1: 54)

این کار از خصوصیات شیعه است که منشا آن غلو ایشان در مورد ائمه شان و خدا دانستن علی و اولاد اوست

2 ـ ابن تیمیه می گوید :

«قال علمائنا لایجوز أن یُنذر لقبر ولا للمجاورین عند القبر شیئاً من الأشیاء ، لا من درهم ولا من زیت ، ولا من شمع ، ولا من حیوان ولا غیر ذلک ،کلّه نذر معصیة ، وقد ثبت فی الصحیح: من نذر أن یطیع ا فلیطعه ، ومن نذر أن یعصی ا فلا یعصه»(مجموع الفتاوی ابن تیمیه ج27/ص77 و رسالة زیارة القبور ص27)

علمای ما گفته اند که جایز نیست که برای قبر و یا کسانی که در کنار آن هستند چیزی را نذر کند ؛

نه پولی و نه روغنی و نه شمعی و نه حیوانی و نه غیر آن ؛ در تمامی اینها نذر, عملی خلاف شرع است ؛ و در روایت صحیح آمده است : هرکس نذر کرده که است که خدا را اطاعت کند پس باید او را اطاعت کند و هرکس که نذر کرده خدا را عصیان کند ، از او سرپیچی نکند .

و شهرستانی از وی نقل می کند که گفته است :

«وإذا کان الطلب من الموتی ـ ولو کانوا أنبیاء ـ ممنوعاً خشیة الشرک ، فالنذر للقبور ، أو لسکّان القبور نذر حرام باطل یشبه النذر للأوثان ومن اعتقد أنّ َ فی النذر للقبور نفعاً أو أجراً فهو ضال جاه»(لالملل والنحل: 291)

وقتی که خواسته از مردگان – حتی اگر انبیا باشند – به خاطر ترس از شرک حرام باشد ، پس نذر برای قبور یا برای کسانی که در کنار آنها هستند نیز نذر حرام و باطل است و شبیه نذر برای بت هاست ؛ و هرکس که اعتقاد داشته باشد که نذر برای قبور فایده یا ثوابی دارد او گمراه و جاهل است .

رد نظر وهابیت و پاسخ به آن :

1- مراد از نذر

معنی نذر آن است که انسان خود را متعهد به پرداخت چیزی معین ، در صورت تحقق هدف و برآورده شدن مقصود کند و بگوید :«برای خدا بر گردن من است که اگر چنین شد فلان کار را انجام دهم » و این همان نذر شرعی است .

و به همین جهت است که می بینیم تمام فقهای شیعه شرط تحقق نذر را استعمال کلمه (ا) در صیغه نذر می دانند . مرحوم صاحب جواهر در این زمینه می فرمایند :

یجب فی صیغته التی هی سبب الالتزام أن یقول : « علی » بمعنی عدم انعقاد النذر لو جعل الالتزام لغیر ا من نبی مرسل أو ملک مقرب.(جواهر الکلام ج 35 ص 172)

واجب است در صیغه نذر - که سبب ملتزم شدن به آن می شود – بگوید «برای خداست بر گردن من» ؛ به این معنی که اگر برای غیر خدا مانند پیامبری یا فرشته مقربی نذر کند صحیح نمی باشد .

پس وقتی که می گوید : «برای فلان نذر کردم» در واقع کلام خود را خلاصه کرده مجاز به کار برده است ؛ زیرا معنی آن این است که : « برای خدا نذر کردم که کاری انجام دهم که ثوابش برای فلانی باشد »

و بنا بر این مراد از نذر برای اموات در واقع نذر برای خداوند است و اهدای ثواب آن به صاحب قبر ؛ نه این که نذر برای صاحب قبر صورت گرفته باشد ؛

وعلت نذر در این موارد ، نذر کردن صدقه دادن و هدیه دادن ثواب آن به پیغمبر یا ولی او یا نیکان است ، و مقصود از آن تقرب به مرده به سبب نذر برای او نیست ؛ بلکه مقصود تقرب به سوی خداست ؛ چگونه انسان قصد قربت به مرده ای را بکند با اینکه می داند او از دنیا رفته و نمی تواند از این نذر سودی ببرد ، نه می تواند غذای نذری را بخورد و نه می تواند از آن اگر پول باشد استفاده کند و نه اگر لباس باشد آن را بپوشد .

پس بهتر آن است که بی جهت دیگران را تکفیر نکرده و با فتواهای بدون مدرک به ایشان هجوم نیاوریم ؛ و بلکه واجب است که عمل مسلمان را حمل بر صحت کرده و تا مقدار امکان به ایشان تهمت نزد.

2- جواز صدقه دادن از طرف مردگان در نظر اهل سنت :

حال که مقصود شیعیان از این نذر ها مشخص شد که ایشان تنها نذر را برای خدا انجام می دهند و مقصود از بردن نام مرده در نذر فرستادن ثواب نذر برای وی است ، نظر اهل سنت را در مورد فرستادن ثواب کارهای نیک برای اموات مورد بررسی قرار می دهیم :

عزامی شافعی می گوید :

«من استخبر حال من یفعل ذلک من المسلمین وجدهم لا یقصدون بذبائحهم ونذورهم للأموات إلاّ الصدقة عنهم وجعل ثوابها لهم .وقد علموا ان اجماع أهل السنّة منعقد على أن صدقة الأحیاء نافعة للأموات واصلة إلیهم ، والأحادیث فی ذلک صحیحة مشهورة: 1 ـ منها ما صحّ َ عن سعد، انه سأل النبیﷺ علیه وآله) ، قال: یا نبی ا ان اُمّی افتلتت (أی ماتت) وأعَلْمُ أنها لو عاشت لتصدقت أفإن تصدّ َقتُ عنها أینفعها ذلک؟ قال: نعم . فسأل النبیّ ِ: أیّ ُ الصدقة أنفع یارسول اللهﷺ علیه وآله) ؟ قال: الماء ، فحفر بئراً وقال : هذه لاُمّ سعد»(فرقان القرآن : 133).

هرکس که حال کسی که از مسلمانان این کار را انجام می دهد ، مورد مطالعه قرار دهد در می یابد که ایشان از نذر و قربانی خویش برای مردگان غیر از صدقه دادن از ایشان و فرستادن ثوابش برای آنها قصدی ندارند .

و دانسته شده است که اجماع اهل سنت بر این مطلب است که صدقه زندگان برای مردگان سود داشته و به ایشان می رسد ؛ و روایات در این زمینه بسیار مشهور هستند . 1- روایتی که از سعد رسیده است که از رسول خدا سوال کرد و عرضه داشت : مادر من از دنیا رفته است و می دانم که اگر زنده می ماند صدقه می داد ؛ آیا اگر از جانب او صدقه بدهم به او سودی می رسد؟ پاسخ دادند : آری .

پس سوال کرد : کدام صدقه فایده اش بیشتر است ای رسول خدا . حضرت فرمودند : آب .

پس چاهی کنده و گفت : این برای مادر سعد است .

و ابن تیمیه و اتباع او به خطا رفته اند که ادعا کرده اند اگر مسلمانی بگوید این نذر برای رسول خدا یا برای ولی است این مانند آن است که بگوید : این نذر برای خداست و مقصود از کلمه "برای" در هر دو غایت و نتیجه باشد . ایشان به اشتباه رفته و یا خود را به اشتباه زده اند زیرا مقصود از "برای" در نذر برای مردگان و ... تعیین جهت مصرف است ، نه مقصود .

وی در ادامه می افزاید :

« اللام فی هذه لاُم سعد هی اللام الداخلة على الجهة التی وجّهتْ إلیه الصدقة لا على المعبود ، المتقرّب إلیه ، وهی کذلک فی کلام المسلمین ، فهم سعدیون لا وثنیون ، وهی کاللام فی قوله تعالى:" انّما الصدقات للفقراء" سورة التوبة : 60. » .(فرقان القرآن: 133) .

حرف " لام " در عبارت " لأم سعد" (یعنی برای مادر سعد) لامی است که جهت را معین می کند ؛ یعنی همان جهتی که صدقه را برای آن قرار داده است ؛ ونه برای تعیین معبودی که به سوی او تقرب جسته می شود .
در کلام مسلمانان نیز همین طور است ؛ ایشان خدا را می پرستند و بت پرست نیستند .
این لام مانند لام در کلام خداوند است که فرموده است : " بدرستیکه صدقات برای فقراء است " (سوره توبه آیه 60)

3- نظریه علماء اهل سنت در جواز نذر برای اموات

با این مقدمات واضح شد که حتی طبق نظر علمای اهل سنت نیز صدقه دادن برای اموات عملی نیک به شمار رفته و سیره همه مسلمانان است ؛ اما آیا ایشان نذر کردن برای اموات را نیز جایز می دانند ؟ به سخنان ذیل توجه نمایید :

نظر سبکی از مشهورترین علمای اهل سنت :

او قاضی القضاة شافعی و شیخ الاسلام بود ؛ سیوطی در مورد او می نویسد :

الإمام الفقیه المحدث الحافظ المفسر الأصولی النحوی اللغوی الأدیب المجتهد ... شیخ الإسلام إمام العصر... ولیس بعد الذهبی والمزی أحفظ منه (طبقات الحفاظ ج1/ص525 ش 1148)

امام و فقیه و محدث و حافظ (حافظ بیش از 100000روایت) و مفسر و اصولی و نحوی و لغوی و ادیب و مجتهد ... شیخ الاسلام و پیشوای زمان خویش ؛ بعد از ذهبی مزی کسی مانند او در حفظ روایات نبود .

وی می گوید :

الکعبة والحجرة الشریفة قد علم حالهما الأول بالنص للحدیث الوارد الذی قدمناه والثانیة بالإلحاق به وبالقطع بعظمتهما وفی کثیر من البلاد غیرهما أماکن ینذر لهما ویهدی إلیها وقد یسأل عن حکمها ویقع النظر فی أنها هل تلحق بهذین المکانین وإن لم تبلغ مرتبتهما أو لا وقد ذکر الرافعی عن صاحب التهذیب وغیره أنه لو نذر أن یتصدق بکذا علی أهل بلد عینه یجب أن یتصدق به علیهم قال ومن هذا القبیل ما ینذر بعثه إلی القبر المعروف بجرجان فإن ما یجتمع منه علی ما یحکی یقسم علی جماعة معلومین وهذا محمول علی أن العرف اقتضی ذلک فنزل النذر علیه ولا شک أنه إذا کان عرف حمل علیه وإن لم یکن عرف فیظهر أن یجری فیه خلاف وجهین أحدهما لا یصح النذر لأنه لم یشهد له الشرع بخلاف الکعبة والحجرة الشریفة والثانی یصح إذا کان مشهورا بالخیر وعلی هذا ینبغی أن یصرف فی مصالحه الخاصة به ولا یتعداها وا أعلم

والأقرب عندی بطلان النذر لما سوی الکعبة والحجرة الشریفة والمساجد الثلاثة لعدم شهادة الشرع لها وإن من خرج من ماله عن شیء لها واقتضی العرف صرفه فی جهة من جهاتها صرف إلیها واختصت به وا تعالی أعلم انتهی.(فتاوی السبکی ج1/ص284)

کعبه و حجره شریفه حکمشان مشخص گردید ؛ حکم کعبه با روایتی که گذشت و حکم حرم رسول خدا به سبب یکی بودن حکم آن با کعبه و به سبب علم به عظمت هر دو .

و در بسیاری شهرها اماکنی است که برای آن ها نذر می شود و هدایایی برای آنها فرستاده می شود . و گاهی عده ای در مورد حکم آنها سوال می کنند و در این مورد فکر می کنند که آیا آنها به کعبه و حرم رسول خدا در حکم ملحق می گردند – اگر چه در رتبه به مقام آنها نمی رسند – یا خیر ؛ و رافعی از صاحب تهذیب و غیر او نقل کرده است که اگر نذر کند که مقداری برای اهل شهر خاصی صدقه بدهد باید بر اهل همان شهر صدقه بدهد . و گفته است از همین قبیل است آنچه که نذر می شود که به قبری معروف در گرگان فرستاده شود . پس بدرستیکه آنچه در نزد او جمع می گردد - طبق آنچه نقل شده است – بر عده معینی تقسیم می گردد . و این عمل بر این باب حمل می گردد که عرف چنین اقتضایی داشته به همین جهت نذر را بر (صدقه) به ایشان حمل می گردانند . و شکی نیست که اگر این معنی از جهت عرف درست باشد باید نذر را بر همین جهت حمل نمود . اما اگر عرف چنین نگوید در آن دو نظر است :

اول : نذر درست نیست ، زیرا شرع این مطلب را تایید نکرده است ؛ بخلاف نذر برای کعبه و حجره شریفه (قبر رسول گرامی اسلام)

دوم : اگر آن شخص معروف به نیکی باشد صحیح است ؛ و طبق این نظر باید نذر را در مصالح خاص به آن شخص مصرف نموده و در غیر آن خرج نگردد .

و نزد من بطلان نذر در غیر کعبه و قبر رسول خدا و مساجد سه گانه (مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد الاقصی) بهتر است ؛ زیرا در شرع دلیلی برای صحت آن نیامده است ؛ و اگر مقداری از مال خویش را برای آن ها فرستاد (نذر کرد) و عرف می گفت که آن را در جهت خاصی که به آن مربوط است مصرف کنند ، در همان راه خرج می شود و به همان اختصاص پیدا می کند .

وی صحت نذر برای قبر رسول خدا صلی ا علیه وآله وسلم را جزو مسلمات دانسته و در مورد قبر سایرین می گوید اگر در عرف جهت مصرف خاصی داشته باشد این نذر صحیح است .

نظر رافعی از بزرگترین علمای اهل سنت :

ذهبی در مورد او می گوید :

والإمام الرافعی أبو القاسم عبد الكريم بن محمد بن عبد الكريم بن الفضل القزوينی الشافعی صاحب الشرح الكبير إليه انتهت معرفة المذهب ودقائقه وكان مع براعته فی العلم صالحا زاهدا ذا أحوال وكرامات ونسک وتواضع (العبر فی خبر من غبر ج5/ص94)

امام رافعی ... شناخت مذهب و نکات آن به او منتهی شد ؛ و جدای از تخصصش در علم صالح و زاهد و صاحب حالات و کرامت و تقوا و تواضع بود .

نظر وی و آنچه از صاحب تهذیب و غیر او نقل می کند در ضمن سخنان سبکی گذشت ؛ ابن حجر نیز در کتاب خویش این مطلب را از وی نقل می نماید :(الفتاوی الفقهية الكبرى ج4/ص286 باب الاضحية)

نظر شیخ داوود بن السید سلیمان نقشبندی خالدی بغدادی متوفی 1299:

وی در ابتدا می گوید :

«إنّ َ المسألة تدور مدار نيّات الناذرين وإنّما الأعمال بالنيّات ، فإن كان قصد الناذر ، الميّت نفسه والتقرّب إليه بذلک ، لم يجز قولا واحداً ، وإن كان قصده وجه ا تعالى ، وانتفاع الأحياء بوجه من الوجوه ، وثوابه لذلک المنذور له الميت ، سواء عيّ ِن وجهاً من وجوه الانتفاع أو أطلق القول فيه . ويكون هناک ما يطّ َرد الصرف فيه فى عرف الناس من مصالح القبر أو أهل بلده أو مجاوريه أو الفقراء عامة أو أقرباء الميت أو نحو ذلک ، ففى هذه الصورة يجب الوفاء بالنذور .

وحكى القول بذلک عن الأذرعى ، والزركشى ، وابن حجر الهيثمى المكى ، والرّملى الشافعى ، والقبانى البصرى ، والرافعى ، والنووى ، وعلاء الدين الحنفى ، وخير الدين الرملى الحنفى ، والشيخ محمد الغزى ، والشيخ قاسم الحنفى» .(صلح الاخوان: 102 ، رجوع شود به الغدير 5: 181 باب النذور لأهل القبور)

مساله دایر مدار نیت نذر کننده است ، زیرا ملاک کارها نیت آن هاست ؛ پس اگر قصد نذر کننده خود مرده و تقرب جستن به سوی او به وسیله این نذر باشد ، قطعا این کار جایز نیست .

و اگر قصد او تقرب به خدای متعال باشد و اینکه زندگان به نوعی از این نذر بهره برده و ثوابش به آن مرده برسد – چه جهت خاصی برای مصرف بیان کند و یا چنین نکند اما در عرف روشی باشد که برای آن خرج کنند ؛ مانند مصلحت قبر و یا اهل آن شهر و یا نزدیکان آن قبر یا فقراء یا بستگان میت – در این صورت واجب است که به نذر وفاء کنند .

وی بعد از این مقدمه و نقل روایت ابی داوود (که در بحث روایات خواهد آمد) می افزاید :

«وأما استدلال الخوارج بهذا الحديث على عدم جواز النذر فى أماكن الأنبياء والصالحين زاعمين أنّ َ الأنبياء والصالحين أوثان ـ والعياذ با ـ وأعيادٌ من أعياد الجاهلية ، فهو من ضلالهم وخرافاتهم وتجاسرهم على أنبياء ا وأوليائه حتى سمّوهم أوثاناً .

وهذا غاية التحقير لهم خصوصاً الأنبياء فإنّ َ من انتقصهم ولو بالكناية يكفّ ِر ولا تُقبل توبته فى بعض الأقوال . وهؤلاء المخذولون بجهلهم ، يسمّون التوسّل بهم عبادة ، ويسمّونهم أوثاناً ، فلا عبرة بجهالة هؤلاء وضلالاتهم ، وا أعلم» .

اما استدلال کردن خوارج به این روایت برای عدم جواز نذر در مکان هایی که در آن انبیا و صالحین دفن هستند – العیاذ با - به این گمان که انبیا و صالحین مانند بت و یا رسومات جاهلیت هستند ، این از گمراهی ایشان و خرافات ایشان و جرات پیدا کردن ایشان بر انبیا و اولیاست که ایشان را بت می نامند .

و این نهایت کوچک شمردن مقام انبیا است ؛ پس بدرستیکه هر کس مقام ایشان را حتی با کنایه کوچک شمارد کافر شده و طبق بعضی نظر ها توبه اش قبول نمی گردد . و این کسانی که به خاطر گمراهی خویش در بیچارگی افتاده اند ، توسل به انبیا را پرستش ایشان نامیده و ایشان را بت به حساب می آورند !!! پس نباید جهالت ایشان و گمراهیشان را مهم دانست .(صلح الاخوان : 109) .

مرحوم علامه امینی نیز در کتاب خویش بعد از نقل کلام خالدی می فرمایند :

کما لا عبرة بجهالة ابن تیمیة ومن لف لفّه وضلالاتهم .(الغدیر 5 : 183 .باب النذور لاهل القبور)

همانطور که نباید نادانی ابن تیمیه و هرکس که روش او را در پیش گرفته است و نیز گمراهی ایشان را مهم دانست .

نظر شیخ سلامة قضاعی عزامی شافعی مصری :

عزامی شافعی نیز در این زمینه گفته است :

« ... واغترّ بکلامه ـ أی ابن تیمیة ـ بعض من تأخّر عنه من العلماء ، ممّن ابتلی بصحبته أو صحبة تلامیذه ، وهو منه تلبیس فی الدین وصرف إلی معنی لا یریده مسلم من المسلمین . ومن خبر حال من فعل ذلک من المسلمین ، وجدهم لایقصدون بذبائحهم ونذورهم للمیتین من الأنبیاء والأولیاء إلاّ الصدقة عنهم وجعل ثوابها إلیهم ، وقد علموا أن إجماع أهل السنّة منعقد علی أنّ َ صدقة الأحیاء نافعة للأموات واصلة إلیهم ، والأحادیث فی ذلک صحیحة مشهورة . فالنذر بالذبح وغیره للأنبیاء والأولیاء أمرٌ مشروع سائغ من سیرة المسلمین عامّةً من دون أی اختصاص بفرقة دون اُخری ... » .(فرقان القرآن : 133 ، رجوع شود به الغدیر 5 : 181 باب النذور لأهل القبور)

به سبب سخنان ابن تیمیه ، عده ای از علمای بعد از او گمراه شده اند ؛ از کسانی که یا با او مصاحبت داشته اند و یا با شاگردان او همراه شده اند .

وبعد هذه الأدلة والشواهد وکلمات أعلام السنة ، فهل یحق لابن تیمیة وأتباعه الاصرار علی مزاعمهم والتفوّه بحرمة النذر لغیر ا . و این کار او سبب اشتباه در امر دین شده است و آن را(نذر را) به معنی تفسیر کرده اند که هیچ یک از مسلمانان چنین کاری انجام نمی دهد . و هر کس که مسلمانانی را که چنین کاری انجام می دهند مورد امتحان قرار دهد مشاهده می کند که ایشان از این قربانی ها و نذر های برای مردگان انبیا و اولیا جز صدقه از طرف ایشان و قرار دادن ثواب آن برای آنها قصدی ندارند . و همگان می دانند که اجماع اهل سنت است که صدقه زندگان برای مردگان فایده داشته و به ایشان می رسد و روایات در این باب مشهور است .

پس نذر قربانی و غیر آن برای انبیا و اولیا امری دینی و جایز است که از روش همه مسلمانان بوده و اختصاص به مذهب خاصی ندارد .

با این همه آیا سزاوار است که ابن تیمیه و اتباع او عده ای از مسلمانان را به خاطر عملی که سیره همه مسلمانان است تکفیر کرده و ایشان را متهم به نیتی بکنند که هیچ کس ، چنین قصدی نمی نماید؟

3- آیا نذر کردن برای قربانی در جای خاص در شرع نهی نشده است؟

شاید وهابیون اشکال بگیرند که چون شما برای این نذر مکان خاصی در نظر گرفته اید این نذر ، شبیه نذر برای بت ها می شود و به همین جهت ما حکم به حرام بودن آن می کنیم ؛

شبیه این مطلب در کلام ابن تیمیه (که در ملل و نحل نقل شده است) موجود است ؛ وی علت حرمت را

شباهت به کفار بیان می کند ؛ در پاسخ می گوییم :

روایات نذر :

در همین زمینه اهل سنت از رسول خدا صلی ا علیه وآله وسلم روایاتی دارند که دلالت بر صحت نذر می نماید :

1- روایت از ثابت بن ضحاک از رسول خدا (صلی ا علیه وآله وسلم):

أنّ رجلا سأله أنّه نذر أن یذبح ببوانه ، فأتی رسول ا ، فأخبره فقال (صلی ا علیه وآله) : هل کان فیها وثنٌ من أوثان الجاهلیة یُعبد؟ قالوا: لا .قال: هل کان فیها عید من أعیادهم؟ قالوا: لا ، قال رسول اللهصلی ا علیه وآله): أَوفِ بنذرک ، فانه لا وفاء لنذر فی معصیة ا ، ولا فیما لا یملک ابن آدم(سنن أبی داود 3: 238 ح3313 باب ما یؤمر به من الوفاء بالنذر)

شخصی به نزد رسول گرامی اسلام آمده و سوال کرد که نذر کرده است که در بوانه قربانی دهد (روستایی بعد از ینبع نزدیک ساحل دریا , معجم البلدان 1 ص 505) حضرت سوال فرمودند : آیا در آنجا بتی از بت های جاهلیت پرستیده می شده است؟ عرضه داشتند : خیر .حضرت فرمودند : آیا آنجا محل مراسمی خاص از رسوم جاهلیت بوده است ؟ عرضه داشتند : خیر .حضرت فرمودند : به نذرت وفا بنما ، پس بدرستیکه در راه سرپیچی خدا نباید نذر کرد و نه در چیزی که انسان آن را نمی تواند انجام دهد .

نووی در ذیل این روایت می گوید : رواه أبو داود بإسناد صحیح علی شرط البخاری ومسلم.(المجموع ج8/ص358) ابو داود این روایت را با سند صحیح طبق شروط بخاری و مسلم آورده است .

2 ـ روایت از میمونه از رسول خدا صلی ا علیه وآله وسلم:

حدثنا علی بن عبد العزیز ثنا أبو نعیم ثنا عبد ا بن عبد الرحمن یعنی بن کعب الطائفی عن یزید بن مقسم عن میمونة بنت کردم أنها کانت ردیف أبیها فسمعت أباها یسأل النبی صلی ا علیه وسلم قال إنی نذرت لأنحرن ببوانة فقال هل بها وثن أو طاغیة تعبد قال لا قال أوف بنذرک(المعجم الکبیر ج19/ص189 ش 426)

از میمونه روایت شده است که در پشت سر پدر خویش نشسته بود ؛ پس از پدرش شنید که از رسول خدا سوال فرمودند که من نذر کرده ام در بوانه قربانی کنم ؛ پس حضرت فرمودند آیا در آنجا بت یا شیطانی پرستش می شده است ؟ گفت : خیر ؛ پس حضرت فرمودند : به نذرت وفا بنما .

أن أباها قال للنبیصلی ا علیه وآله) : انی نذرتُ أن أذبح خمسین شاة علی بوانه ، فقال: هناک شیء من هذه النُصُب؟ فقال: لا . قالصلی ا علیه وآله) : فأوفِ بنذرک ، فذبح تسعاً وأربعین وبقیت واحدة ، فجعل یعدو خلفها ویقول: اللهمّ أوفِ بنذری حتی أمسکها فذبحها .(معجم البلدان 1: 505 ذیل کلمه بوانة)

پدر او به رسول خدا (صلی ا علیه وآله وسلم) گفت : من نذر کرده ام که پنجاه گوسفند در بوانه قربانی کنم ؛ حضرت فرمودند آیا در آنجا چیزی از بت ها نصب شده است؟ گفت : خیر .

حضرت فرمودند : پس به نذرت وفا بنما ؛ پس 49 گوسفند را قربانی نموده و یکی باقی ماند ؛ پس به دنبال آن یکی به راه افتاده و می گفت : خدایا به نذر خود وفا می نمایم تا اینکه گوسفند را گرفته و قربانی نمود .

شاید این روایت با روایت ثابت بن ضحاک یکی باشد اگر چه در بعضی روایات با آن اختلاف دارد .

و ظاهرا علت سوال حضرت که فرموده اند : آیا در آنجا بتی از بت های جاهلیت پرستیده می شده و آیا آنجا محل مراسمی از رسومات جاهلیت بوده است از این جهت است که شاید این نذر طبق رسوم جاهلیت بوده است ؛ زیرا ایشان تازه از جاهلیت دست برداشته و بسیار به آن نزدیک بودند .

آیا شباهت با کفار سبب تکفیر است ؟

یکی از عجایب آن است که ابن تیمیه مسلمانان را به سبب این گونه نذر ها کافر می داند ؛ با این بیان که عمل ایشان شبیه کارهای کفار است !!!

اگر واقعا این ملاک کافر شدن باشد ، اعمال دیگری نیز موجود است که شبیه کارهای مشرکان است ؛ و می توان از آن به مناسک حج و واجبات آن اشاره کرد ، که در ظاهر بسیار شباهت به کارهای مشرکین دارد ؛ مانند طواف دور خانه کعبه و بوسیدن حجر الاسود و قربانی و ...

و نیز باید به این مطلب اضافه کنیم که : ملاک و معیار نیت قلبی است و نه تشابه ظاهری . زیرا رسول خدا صلی ا علیه وآله و سلم فرمودند : انّما الأعمال بالنیّات .ملاک کارها نیت آن هاست .

4- سیره و روش مسلمانان در نذر برای اموات :

حال که فتاوای عده از بزرگان و علمای اهل سنت را در مورد نذر برای مردگان نقل نمودیم ، به ذکر سیره و روش مسلمانان در این مورد می پردازیم :

نذر کردن قربانی و یا غیر آن ، برای انبیا و اولیا امیری شایع بین مسلمانان بوده و در روش ایشان شناخته شده است . بدون اینکه اختصاص به گروهی داشته باشد ؛ و نذر کننده تنها در صورتی پاداش می برد که این عمل وی برای خدا بوده و قربانی به نام خدا صورت گیرد .

خالدی می گوید :

«بمعنی أن الثواب لهم والمذبوح منذور لوجه ا کقول الناس: ذبحت لمیتیّ بمعنی تصدقتُ عنه وکقول القائل: ذبحت للضیف بمعنی انه کان السبب فی حصول الذبح»(صلح الاخوان: 109 ، الغدیر 5: 182 باب النذور لاهل القبور)

به این معنی که پاداش (قربانی و نذر) و ثوابش به ایشان (اموات) می رسد و آنچه که قربانی شده است با قصد قربت به خدا نذر شده است ؛ مانند اینکه مردم می گویند : برای مرده ام قربانی کردم ؛ یعنی از طرف او این قربانی را صدقه دادم ؛ و یا اینکه می گویند : برای مهمان قربانی کردم ؛ به این معنی که او سبب انجام این قربانی بوده است (اما در هنگام ذبح نام خدا برده می شود) .

برای اثبات این مطلب سه شاهد از کتب اهل سنت بیان می کنیم :

1 ـ قبر بستی در مراکش .

2ـ قبر أحمد بدوی در طندتا .

3 ـ قبر نذور در بغداد «قبر عبید ا بن محمد بن عمر» .

الف) قبر البستی:

أحمد بن جعفر خزرجی أبو العبّاس بستی که در مراکش ساکن شد و در آنجا در سال 601هـ از دنیا رفت .

«قبره مزار مزاحم علیه مجرّب الإجابة ، زرته مراراً لاتحصی ، وجربتُ برکته مرّة ، وقال ابن الخطیب السلمانی: . . ویبلغ وارد ذلک المزار فی الیوم الواحد ثمانمائة مثقال ذهب عین ، وربّما وصل بعض الأیام ألف دینار ، وتُصرف کلّها فی ذوی الحاجات المحتفین به من أهالی تلک الدیار . . .»(نیل الابتهاج 2: 62 ، الغدیر 5 : 204 باب برکة قبر احمد وجواره)

قبر او محل زیارت و بسیار شلوغ و نیز محل استجابت دعاست . او را چندین بار زیارت کرده ام و برکت او را نیز امتحان نموده ام ؛ ابن خطیب سلمانی می گوید : ... پولی که برای این مزار در هر روز (از طرف مردم) داده می شود ، هشتصد مثقال طلای خالص است که گاهی به هزار دینار نیز می رسد ؛ و تمام آن خرج نیازمندانی می شود که از اهالی آن منطقه در کنار این حرم گرد آمده اند .

صاحب نیل الابتهاج در ادامه می گوید :

. . . وإلی الآن ما زال الحال علی ما کان علیه فی روضته من ازدحام الخلق علیها ، وقضاء حوائجهم ، وقد زرته ما یزید علی خمسمائة مرّة وبت هناک ما ینیف علی ثلاثین لیلة ، وشاهدت برکته فی الاُمور . .».

و تاکنون وضعیت این حرم همانگونه است که جمعیت زیادی از مردم در کنار این حرم گرد آمده و حاجات ایشان برآورده شده است ؛ من آنجا را بیش از 500 مرتبه زیارت کردم و بیش از سی شب را در آنجا به صبح رساندم و از برکت او موارد بسیاری مشاهده کرده ام .

ب) شیخ أحمد بن علی بدوی

"المتوفی 675هـ . . دفن طندتا ، وجعلوا علی قبره مقاماً واشتهرت کراماته ، وکثرت النذور إلیه ".(المواهب اللدنیة 5: 346 . . شذرات الذهب ج5/ص346سنة 675)

او در سال 675 از دنیا رفت ... در طندتا (ظاهرا درست آن طنبذة است که در نزدیکی بهنسا در مصر یا در افریقا قرار دارد یا مقصود شهر طنطا از شهرهای معروف مصر است معجم البلدان 4 : 42) و قبر او را محل عبادت قرار دادند و کرامت های او مشهور شده و نذر برای او بسیار گشت .

ج) قبر عبید ا بن محمد بن عمر:

او از نسل علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (امام سجاد) است . خطیب بغدادی می گوید :

دروازه بردان ، در آنجا عده ای از بزرگان مدفون هستند و در محل مرسوم برای نماز عید قبری است که به آن قبر نذور می گویند . و گفته می شود که کسی که در آنجا دفن است از نسل علی بن ابی طالب است

که مردم با زیارت او کسب تبرک می کنند و حاجت مندان او را برای روا شدن حاجات زیارت می نمایند .
قاضی ابو القاسم تنوخب به من خبر داد که پدرش به او گفته است در بصره در حضور عضد الدوله (پادشاه عراق و فرزند سلطان حسن بن بویه دیلمی – سیر اعلام النبلاء ج 16 ص249) بودم و خیمه ما در نزدیکی محل نماز عید در سمت شرقی شهر سلام بود و می خواستیم با او در اولین روزی که لشکر به همذان وارد می شود به آنجا برویم . پس نگاه او به ساختمانی که در آن قبر نذور است افتاد ؛ و به من گفت : این بنا چیست؟ به او گفتم :اینجا مشهد نذور است ؛ و نگفتم قبر ؛ زیرا می دانستم او که او لفظ قبر را شوم می داند . او نیز از کلام من خشنود شده و گفت : می دانستم که اینجا قبر نذور است اما می خواهم برای من ماجرای او را شرح دهی . پس به او گفتم : گفته می شود که اینجا قبر عبید ا بن محمد بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب است ؛ و گفته می شود که قبر عبید ا بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب است که بعضی از پادشاهان می خواست که او را مخفیانه بکشد ؛ پس برای او در اینجا چاله ای کندند و در حالی که وی با خبر نبود او را از روی آن عبور دادند ؛ پس در چاله افتاده و زنده زنده بر روی او خاک ریختند . و به این جهت به قبر نذور مشهور گشته است ، زیرا هیچ نذری برای او صورت نمی گیرد مگر اینکه به اجابت رسیده و نذر کننده به خواسته اش می رسد ؛ و من خود یکی از کسانی هستم که چندین بار برای او در کارهای بسیار دشوار نذر کرده ام ، اما نذرم ادا شد و به آن وفا نمودم . اما عضد الدولة کلام من را قبول ننمود و چنان سخن گفت که معلوم کند که این کار به ندرت و به صورت اتفاقی صورت می گیرد اما عوام آن را چندین برابر کرده و در این زمینه سخن ها گفته اند ؛ من نیز به او چیزی نگفتم ؛ بعد از چند روز که ما در لشکرگاه بودیم من را خواسته و گفت : با من سوار شو تا به مشهد نذور برویم . من سوار شدم و عده ای نیز از همراهان او وی سوار شدند ؛ پس وارد مزار شده و آن را زیارت کرده و دو رکعت نماز در کنار آن خواند و بعد از آن سجده کرده و در سجده مشغول مناجات شد و به حدی مناجات کرد که کسی نشنیده است . سپس سوار شدیم و به خیمه بازگشتیم و چند روز دیگر نیز در آنجا ماندیم . سپس او عزم سفر کرده ما نیز به همراه او به سمت همذان به راه افتادیم . بعد از رسیدن به همذان چند ماهی را در آنجا بودیم که من را خواسته و گفت که آیا به یاد می آوری در مورد مشهد نذور بغداد به من چه گفتی؟ پاسخ دادم آری ؛ گفت : من در مورد مشهد نذور با تو – به خاطر آنکه از همراه نیکویی با من بوده ای – چیزی را گفتم که با آنچه در دل من بود فرق می کرد ؛ من در دل خود گمان داشتم که تمام آنچه در مورد آنجا گفته می شود دروغ است (و نه بعضی از آن) ؛ مدت زمانی که از این قضیه گذشت مشکلی برای من پیش آمد که ترسیدم این مشکل پا گرفته و نیرومند شود . پس خواستم که آن را با همه اموال و نیروی نظامی خویش حل کنم اما راهی برای آن پیدا نکردم ؛ پس آن چه در مورد مشهد نذور به من گفته بودی به یادم آمد ؛ پس گفتم چرا این راه را امتحان نکنم ؛ پس نذر کردم که اگر خداوند این مشکل را از سر راه من بردارد ، ده هزار درهم برای ضریح این حرم بفرستم و امروز به من خبر رسید که خداوند مشکل من را حل کرده است ؛

پس به نزد ابو القاسم – نویسنده نامه های او – رفتم تا به ابو ریان جانشین او در بغداد نامه بنویسد که مبلغ نذر را به این مشهد بفرستد . پس (کاتب) به عبد العزیز رو نمود (که آیا چنین نامه ای بنویسد؟) ؛ پس عبد العزیز به او گفت من چنین دستوری داده ام و نامه را اجرا کرد .(تاریخ بغداد 1: 123 باب ما ذکر فی مقابر بغداد)

بحث در مورد قربانی برای امام حسین علیه السلام :

یکی از شبهاتی که در مورد بحث نذر و قربانی مطرح می شود ، شبهه حرام بودن قربانی برای رسول خدا صلی ا علیه وآله وسلم و اهل بیت علیهم السلام است ؛ و عده ای به این بهانه که این قربانی ها برای غیر خداست و یا به با ذکر این دروغ که شیعیان در هنگام ذبح به جای بسم ا نام امام حسین را می برند ، اهل سنت را از شیعیان دور می نمایند .

در مورد این که این قربانی برای غیر خداست پاسخ به طور کامل مطرح گردید ؛ زیرا مشخص است که شیعیان وقتی برای در عزای سید الشهدا و ائمه اطهار قربانی می کنند همان نیتی را دارند که اهل سنت آن را جایز می دانند ؛ یعنی نذر این گوسفند برای خدا به این قصد که گوشتش را برای عزداران امام حسین علیه السلام بدهد و ثوابش به روح حضرت برسد .

و همگان می دانند که شیعیان در هنگام قربانی تنها و تنها نام خدا را می برند . نه نام سید الشهدا و ... را .

اما در بین مردم شایع کرده که شیعیان در هنگام ذبح می گویند باسم ا و اسم الحسین و یا کلماتی مانند این ؛ و این دروغ را بهانه ای برای نجاست قربانی شیعیان در عزاداری و حرمت خوردن از گوشت آن قرار داده اند . گرچه شیعیان چنین کاری نمی کنند اما باز برای تکمیل بحث آنچه را علمای اهل سنت در کتب خود در این زمینه آورده اند برای شما نقل می نماییم :

وعلى هذا فإذا قال الذابح باسم ا واسم محمد وأراد أذبح باسم ا وأتبرک باسم محمد فينبغى أن لا يحرم

(المجموع للنووى ج8/ص302)

بنابر این اگر قصاب بگوید : بسم ا و اسم محمد و مقصود او آن باشد که به اسم خدا ذبح می کنم و اسم رسول خدا را برای تبرک می آورم ، سزاوار است که حرام نباشد .

ودر جای دیگر نوشته است:

وعلى هذا إذا قال الذابح باسم ا وباسم محمد وأراد أذبح باسم ا وأتبرک باسم محمد فينبغى أن لا يحرم

وقول من قال لا يجوز ذلک يمكن أن يحمل على أن اللفظة مكروهة لأن المكروه يصح نفى الجواز والإباحة المطلقة عنه (روضة الطالبين لنووى ج3/ص206)

و بنابر این اگر قصاب بگوید بسم ا و اسم محمد و مقصودش این باشد که به اسم خدا ذبح می کنم و اسم

رسول خدا را برای تبرک می آورم سزاوار است که حرام نباشد و اگر کسی بگوید این کار جایز نیست ، ممکن است آن را برای این حمل کنیم که گفتن این لفظ مکروه است ؛ زیرا در مورد مکروه می توان گفت که جایز نیست و مقصود آن باشد که مباح نیست .

قال الرافعی فإن أراد أذبح بسم ا وأتبرک باسم محمد صلی ا علیه وسلم فینبغی أن لا یحرم ویحمل إطلاق من نفی الجواز عنه علی أنه مکروه لأن المکروه یصح نفی الجواز عنه (فتح الوهاب ج2/ص322)

رافعی گفته است : اگر مقصود آن باشد که با اسم خدا قربانی می کنم و با اسم رسول خدا تبرک می جویم سزاوار است که حرام نباشد و کلام کسی که گفته این کار جایز نیست نیز بر کراهت حمل می شود زیرا در مورد مکروه می توان گفت که جایز نیست و مقصود آن باشد که مباح نیست .

با وجود این کلمات از اهل سنت حتی اگر شیعیان بگویند باسم ا و اسم الحسین و مقصود ایشان قربانی کردن به اسم خدا و تبرک به اسم امام حسین علیه السلام باشد باز هم باید گفت که این قربانی حلال بوده و می توان از آن خورد و اگر در نیت قصاب هم شک داشته باشد باز باید عمل او را حمل بر صحت نماید و حکم بر صحیح بودن قربانی او و حلال بودن آن بنماید ؛ و ادعای حرام بودن این قربانی تنها از کج خلقی صورت می گیرد و گوینده این سخنان تنها و تنها می خواهد مردم را از فیض حضور در عزاداری امام حسین علیه السلام محروم بنماید .

به نقل از فصل نهم کتاب روافد الایمان حجة الاسلام والمسلمین طبسی

(منبع:مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج))